

جلسه حضوری با سخنان خانم دکتر بهشید (اسفند ۹۹)

امیدوار هستم که با مشارکت حد اکثری دانشکده ها این کار را بتوانیم انجام دهیم و پیشنهادم برای شما عزیزان که در واقع پیشگامان این برنامه هستید افزایش تبلیغات می باشد ، تا اعضای بیشتری برای شرکت در این برنامه تمایل داشته باشند. امیدوارم در جشنواره ی کشوری هم با دست پر حضور پیدا کنیم و درخششی را که لایق دانشگاه علوم پزشکی تبریز هست به ارمغان آوریم. بنده ، بهشید، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی در گروه داخلی جراحی و عضو گروه اخلاق پزشکی و همچنین گروه آموزش پزشکی هستم و افتخار این را داشتم که در چند سال گذشته با حوزه ی جشنواره ی دانشجویی و برگزاری جشنواره شهید مطهری در دانشگاه علوم پزشکی تبریز همکاری کنم . در ضمن مشاور فرایند های آموزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز هم هستم و امیدوارم همین نقش را برای شما عزیزان نیز داشته باشم و بتوانیم نتیجه ی خوبی را از برنامه بگیریم.

*تفاوتی که جشنواره های دانشجویی با جشنواره هیئت علمی دارند این است که:

۱. در جشنواره دانشجویی می خواهیم از نظرات و ایده های افرادی که دارند خدمات آموزشی دریافت می کنند برای بهبود کیفیت آموزشی استفاده کنیم که در این صورت دانشجو اختیار عمل بیشتری خواهد داشت و لازم نیست در چارچوب خاص برنامه ی مسئولین نظر دهد . مسلماً با نظرات شخصی خود می تواند نظرات جالب تر و جدید تری را ارائه دهد.

۲. در جشنواره اعضای هیئت علمی تاکید زیادی بر این است که تا زمانی که ایده به عمل تبدیل نشود و نتایجی از انجام آن به دست نیاید و این نتایج مورد نقد قرار نگیرد، فرایند به اتمام نرسیده است. به همین علت طرح هایی که حتی تا حد رسیدن به یک ایده و معرفی نحوه ی اجرای آن ایده هست به عنوان یک کار دانش پژوهی آموزشی تلقی نمی شود و به آن یک طرح پژوهشی در حوزه ی آموزش می گویند. به

همین علت تاکید زیادی بر این است که ایده ی نو آورانه حتما با در نظر گرفتن امکانات لازم برای اجرایی شدن آن به اجرا درآید تا نتایجی از آن حاصل شود و این نتایج در جمع صاحب نظران به نقد گذاشته شود و در آخر از آرای افراد برای اصلاح فرایند استفاده شود. اما در حوزه ی دانشجویی معمولا تا این حد پیش نمی روند چرا که هدف فقط ارائه ی ایده است. بخش های ارائه ایده در ابتدا شامل مقدمه و معرفی مسئله ای است که در حوزه ی آموزش پزشکی وجود دارد و مشکلاتی که در جریان فعلی دیده می شود و نیازمند اصلاح می باشد و اشاره به اینکه این ایده از کجا به ذهن دانشجو رسیده است، چه کار های مشابهی در آن زمینه در سطح جهان صورت گرفته است، ضرورت انجام این ایده چیست و چه کمکی به حل مشکلات آموزشی خواهد کرد. در ادامه ایده معمولا اهداف ارائه می شود. هدف آموزشی در حیطه ی نو آورانه با هدف یک طرح تحقیقاتی تفاوت دارد. این هدف ممکن است صرفا یک هدف در جستجوی سوال پژوهشی نباشد بلکه در ارائه ی راهکار اجرایی و عملیاتی شدن آن ایده باشد یا نحوه ی نیاز سنجی برای تعیین نیازها ی واقعی برای مشخص کردن ایده ی مورد نظر باشد. مرحله ی بعدی متدولوژی می باشد. در قسمت متدولوژی به طور کامل توضیحات واضح و مشخص ایده پرداخته می شود تا برای شخصی که می خواهد آن را به اجرا بگذارد قابل تحلیل باشد. معمولا به صورت استیج بندی هست و گام به گام روش اجرایی شدن ایده شرح داده می شود که چگونه آن را انجام خواهیم داد و روش اجرا کردن آن چیست، چگونه آن را سنجش و ارزیابی خواهید کرد، داده های به دست آمده از سنجش ها را چگونه استنتاج خواهیم کرد و در نهایت چطور آن را در جهت توسعه ی طرح خود به کار خواهید برد. در این بخش ممکن است نحوه ی سنجش را معرفی کنیم، نحوه ی اجرا روی گروه خاص را ارائه دهیم، ویژگی های خاص ورود به آن گروه را مشخص کنیم و باید مشخص کنیم که چگونه این ایده را روی گروه مشخص شده به اجرا در بیاوریم. مرحله ی بعدی نتایج حاصل از اجرای فرایند است که در آن قسمت به چگونگی دست یابی به نتایج و چگونگی مورد استفاده

قرار گرفتن برای بهبود کیفیت آموزش اشاره خواهیم کرد. برای دانشجویان اجرایی کردن ایده ضرورتی ندارد و شما فقط نقشه ی راه را می کشید ، با این حال اگر ایده ای ارائه می شود و برتر می شود انتظار می رود که در ترم بعد گامی برای اجرایی شدن آن برداریم.

؟؟ بعضی از ایده ها مختص دانشکده ها هستند. اگر امکان آن و جود داشته باشد که از هر دانشکده از میان اعضای هیئت علمی همان دانشکده نفراتی برای بررسی این ایده ها انتخاب شوند و ایده های منتخب را درون همان دانشکده به اجرا در آورند. زیرا ایده ی منتخب که از مابین تمامی ایده ها انتخاب می شود مختص یک دانشکده خواهد بود و برای همه ی دانشکده ها این امکان وجود ندارد.

پاسخ: درست است که ایده ی برگزیده ی جشنواره ی ما محدود است ولی ایده هایی که از نظر هر دانشکده ای جالب و جذاب باشد و یا تشخیصشان این باشد که ساز و کار عملیاتی شدن آن ایده را می توانند فراهم کنند، می توانند با مشارکت دانشجوی ایده پرداز از این ایده استفاده کنند. و اینکه از هر دانشکده مسئولینی ورود پیدا کنند و بخواهند آن ایده را اجرا کنند اصلا محدودیتی وجود ندارد و فقط کفایت افرادی با دید آموزش پزشکی و سوابق فعالیتی در حوزه ی آموزش پزشکی قدم پیش بگذارند و برای کار کردن روی آن ایده اعلام آمادگی کنند. در این صورت صد در صد امکان انجام آن در قالب فعالیت دانش پژوهی آموزشی خواهد بود.

؟؟؟ ببخشید خانم دکتر، هر ایده ای که داده می شود، به هر طریقی برای بهتر شدن آموزش است ولی چه چیزی ایده ی ما را از سایر ایده ها متمایز می کند؟ روش اجرای خوب یا مقدمه و بیان مسئله ی خوب؟

پاسخ: خیلی سوال خوبی است. اولاً ایده ی شما باید قادر باشد که به فعالیت آموزشی، یاد دهی، یادگیری، ارزشیابی و مدیریت آموزشی یا برنامه ریزی برای برنامه های مختلف آموزشی را ارتقا دهد. دوماً این ایده ای که به ذهن ما رسیده است قبلاً

به ذهن کس دیگری نرسیده بود؟ این مهم است که ما در مورد ایده ی خود جستجو کنیم که این ایده یا ایده ی مشابه آن در کجای دنیا به اجرا در آمده است. گاهی اوقات دانشجو ها می گویند ایده ی من جدید جدید است ، اما هیچ ایده ای نمی تواند فی البداهه و جدید جدید باشد و هیچ چیزی به فرایند ها ی قبلی ربط نداشته باشد. کافی است وسعت سایت هایی را که جستجو می کنید افزایش دهید و از کلید واژه های مناسب بهره ببرید. اگر این کار را انجام دهید خواهید دید که کار های مشابه کار های شما بوده است اما ایده ی شما نیز یک بعد نو آوران ای نسبت به کار های قبلی دارد.

؟؟؟ وقتی میخواهیم ایده ای را بنویسیم اگر هدف ما فقط جلب نظر هیئت داوران باشد ایده را باید در ایده آل ترین شرایط ممکن پرورش داده و بنویسیم که شاید با وضعیت کنونی ما خیلی فاصله داشته باشد و نتوانیم آن را به اجرا در بیاوریم ، اما اگر حیطه ی اجرایی را در نظر بگیریم باید ایده را با شرایط کنونی تعمیم بدهیم تا بتوانیم در شرایط فعلی و امکاناتمان آن را اجرا کنیم. رشته ی ما حدود ۲۰ سال است که از نظر آموزشی دچار سکون شده است در حالی که خود علم پزشکی پیشرفت های زیادی کرده است. دانشجویان از تحقیقات فاصله گرفته اند و مثل روال مدرسه به دانشگاه می آیند تا نمره ای کسب کنند و وارد ترم بعدی شوند. حتی اکثرا قبل از شروع پایان نامه اطلاعاتی از مقاله نویسی و تحقیق نمی دانند تا اینکه از سمت دانشگاه اجبار وجود داشته باشد بعد وارد این فعالیت شوند. الان سوال من این است چه کار کنیم که هم بتوانیم بخش اجرایی را پوشش دهیم و هم بتوانیم نظر هیئت داوران را جلب کنیم؟

پاسخ: ما می خواهیم بیشتر یاد بگیریم و تجارب خود را افزایش دهیم. یک ایده داریم و می خواهیم آن را در بهترین شکل ممکن ارائه دهیم اما بیشتر از آن می خواهیم یاد بگیریم که چگونه می توان راه تولید ایده آموزشی را طی کرد. اصلا هدف ما این

نیست که در جشنواره اول شویم. اول شدن یکی از چیزهایی است که دوست داریم اتفاق بیفتد ولی به هیچ عنوان هدف نهایی ما این نیست. هر یک از ما برای پرورش ایده مان نیاز داریم یک راه علمی را طی کنیم و راه را منوط یک جشنواره نخواهیم کرد. ما داریم کمک می کنیم که آموزش پزشکی به دست دریافت کنندگان خدمات آموزشی ارتقا پیدا کند. با این فرض کارمان را شروع خواهیم کرد و در کنار این تلاش ارزشمند آرزوی این را داریم که دانشگاهمان بهترین ایده ها را ارائه دهد و کسب مقام هم بکند.

معرفی حیطه ها

تعریف دانش پژوهی آموزشی: انجام فعالیتی بدیع در جهت حل مسئله، گسترش مرزهای دانش و ورود به عرصه های جدید است .

فعالیت آموزشی: کلیه ی فعالیت هایی که در حوزه ی آموزش و در سطوح مختلفی به اجرا در می آید. این سطوح عبارت اند از: تدریس (فرایند یاد دهی و یاد گیری)، برنامه ریزی آموزشی برای دوره های مختلف یا یک درس بخصوص یا یک مقطع تحصیلی بخصوص، راهنمایی و مشاوره که می تواند شامل راهنمایی توسط تیم همسان یا راهنمایی توسط مدرس برای فراگیر باشد، مدیریت و رهبری آموزشی که به بحث های مدیریتی ورود پیدا می کند و اینکه برنامه های آموزشی چگونه باید هدایت شوند و مکانیسم های مدیریتی در مراحل مختلف آموزشی چگونه باید اعمال شود و ارزشیابی که می تواند ارزشیابی از فراگیران یا اساتید و حتی سنجش شرایط و امکانات هم باشد.

*یک طرح تحقیقاتی در حوزه ی آموزش پزشکی (دانش پژوهی اکتشافی) با یک فعالیت scholarship یا دانش پژوهی آموزشی متفاوت است. از نظر اهداف ، آمادگی برای اجرای آن، در استفاده از متدولوژی مناسب، در نتایجی که از آن ها به دست می آید، در ارائه ی موثر نتایج برای گروهی که از آن سود خواهند برد و بازبینی نقادانه با هم متفاوت اند. دانش پژوهی آموزشی در دو مورد آخر یعنی ارائه مناسب و

بازبینی نقادانه تفاوت عمده ای با طرح های تحقیقاتی دارد و نشان دهنده ی مداخله ای بودن و نقد نتایج مداخله و استفاده از آن برای گروه های همسان است . به عنوان یک مدرس باید قبل از انجام فعالیت دانش پژوهی آموزشی آن را به همکارانم ارائه دهم، در سمینارها و گروه آموزشی مان، در معاونت آموزشی ، در جلسات مختلف ذکر کنم و نظرات افراد صاحب نظر را در خصوص کاری که انجام داده ام جویا شوم که به آن بازبینی نقادانه گفته می شود.

حوزه های فعالیت های دانش پژوهی نقادانه :

۱-حوزه ی برنامه ریزی آموزشی:می تواند از برنامه ریزی برای یک مقطع شروع شود تا برنامه ریزی برای یک دوره ی بخصوص یا یک درس بخصوص.در واقع تمام مراحل که برای یک برنامه ریزی لازم است طی شود را می تواند شامل شود.در حوزه ی برنامه ریزی آموزشی طرح باید ماهیت برنامه ریزی را داشته باشد و نقطه ی تمرکز و محور آن همین برنامه ریزی باشد.

۲-تدریس (teaching) که به نام حوزه ی یاد دهی-یادگیری هم نامیده می شود: تدریس یک فعالیتی است که فراده برای فراگیری فراگیر انجام می دهد.نتیجه تدریس باید یادگیری باشد.در تمام طرح هایی که در این حوزه ارائه می شود دانشجو باید فراگیر محور عمل کند و روی روش های جدید فکوس کند .امروزه دانشگاه دارد به سوی یادگیری مبتنی برکسب صلاحیت حرفه ای پیش می رود یعنی هدف این نیست که فقط دانش شما در یک زمینه افزایش یابد بلکه شما باید به تبحر در آن علم برسید و حداقل های حرفه ای را در آن حوزه کسب کنید.امروزه با پا گرفتن آموزش های مبتنی بر نیاز جامعه این مقوله پر رنگ تر شده است.

۳-ارزشیابی فراگیران:این حوزه را امروزه تبدیل به حوزه ی ارزشیابی کرده اند که هم برای فراگیران و هم برای فراده می باشد.در این حوزه ما شیوه های مختلف روش سنجش دست آورد های آموزشی را مد نظر داریم و می خواهیم بدانیم ارزشیابی

براساس چه معیار ها و ملاک هایی انجام می گیرد و چگونه در خصوص نتایج یادگیری می توان آن را قضاوت کرد. در این حوزه دانشجویها مشکلات زیادی دارند و شاید ۹۰٪ اعضای هیئت علمی پایین ترین نمره ی ارزشیابی که سالانه دانشجویها برای آن ها می دهند مربوط به همین حوزه می باشد چون دانشجویها از نتایج ارزشیابی راضی نیستند. یا علت این است که انتظارات شفاف نشده است یا اینکه ارزشیابی یک ارزشیابی روا و پایا نیست.

۴- مدیریت و رهبری آموزشی : بیشتر مربوط به مکانیسم ها ی مدیرتی و در واقع نحوه ی هدایت و راهوری و سیاست گذاری های مختلف و اعمال کنترل و اعمال اقدامات لازم نظارتی برای بهبود کیفیت فعالیت های آموزشی را می تواند شامل شود.

۵- یادگیری الکترونیکی : شامل روش های آنلاین و آفلاین آموزشی می باشد. هدف ارائه ی متریال آموزشی نیست بلکه فرایند یادگیری به صورت آنلاین و آفلاین می باشد. فرق آن با یک محصول آموزشی الکترونیکی این است که محصول فقط خود آن محصول را مد نظر دارد یعنی مراحل تولید و سنجش اثر بخشی محصول را مد نظر دارد در حالی که روش یادگیری الکترونیکی فرایند کل آموزش از نظر شبکه های مجازی را مورد هدف قرار داده است.

۶- راهنمایی و مشاوره : بیشتر مربوط به راهنمایی و مشاوره ی تحصیلی می باشد که از طریق استاد راهنمای تحصیلی یا منتور ها ارائه می گردد. این حوزه از سال گذشته در حوزه ی مدیریت و رهبری آموزشی ادغام شده است و در آن حوزه ارائه می شود.

۷- طراحی و تولید محصولات آموزشی : از چیز های خیلی ساده گرفته تا یک بسته ی آموزشی مولتی مدیا تا یک نرم افزاری که قابلیت های متنوعی دارد ، طراحی یک اپلیکیشنی برای کمک به یادگیری ، ماکت یا هر وسیله ای که بتوان کار عملی را روی آن به راحتی انجام داد. این حوزه بسیار وسیع است. نگارش کتاب ها ی آموزشی و درس نامه ها نیز در این حوزه قرار می گیرد. در این مورد کمی باید احتیاط کرد. در

سالهای گذشته خیلی از ایده ها با یک نظریه ی کلی کنار گذاشته شدند زیرا پیاده سازی متن سخنرانی استاد بود و هیچگونه ابتکار و خلاقیتی نداشت و در ضمن بر خلاف یادگیری دانشگاهی که بر پایه ی تحقیق و مطالعه ی چند رفرنسی می باشد، بودند.

؟؟؟خانم دکتر، بعضا یکسری تناقض هایی هست بین اینکه ما از منابعی استفاده می کنیم حال چه ایده ای از ذهن خودمان به وجود آمده باشد که بخواهیم برخی قسمت ها را ارتقا دهیم و کمی نو آوری داشته باشیم. بعضا در بخش مقدمه نوشتن وقتی می خواهیم کار را تعریف کنیم و مقالاتی برمیداریم باید رفرنس ارائه دهیم چون برخی تعارف کلی اند و کل دنیا هم از آن استفاده می کنند و تعاریف ما نیست. دانشجوی ها الزاما باید در قسمتی منابع ذکر کنند و یا ممکن است سخنشان را انقدر ساده و روان بیان کنند که نیازی به آن نباشد؟ ذکر منابع تاثیری در ارزش ارائه خواهد داشت یا نه؟

پاسخ: ما برای چارچوب تئوریک کارمان و کار های مشابهی که انجام شده است قطعا باید رفرنس دهیم. یعنی نمی توان گفت این کار از اصول آموزشی پیروی می کند بدون اینکه از یک منبع معتبر استناد کنیم. پس قطعا باید در خصوص چارچوب نظری کار ، کار های مشابه انجام گرفته، نتایج مطالعات انجام گرفته در آن زمینه رفرنس داده شود. اما آن بخش از ایده تان که زایده ی ذهن خودتان است یا طی سالیان تحصیلتان با آن مواجه شدید از قول خودتان می توانید بنویسید. اساسا یک قسمت از ایده ی ما باید هم برخاسته از ذهن خلاق خودمان باشد و گرنه اسم ایده ی نوآورانه را نمی توان بر آن گذاشت. یک تئوری وجود دارد که براساس آن تئوری اکثریت مسائلی که ما فکر می کنیم خودمان ارائه اش داده ایم جایی دیگر از کسی شنیده ایم، شاید کمی آن را توسعه داده ایم ولی محور اولیه را از جایی دیگر شنیده ایم. پس دامنه ی سرچ خود را بالا ببرید چون اگر ادعا کنید که مورد مشابهی وجود ندارد ولی وجود

داشته باشد نشانگر آن است که شما دقت کافی نداشته اید و این پروسه ی علمی را درست طی نکرده اید و نمره ی منفی محسوب می شود.

ایده ها باید برگرفته از نیاز باشد و دانشجو بتواند خود و مخاطبان را قانع کند. برای پیدا کردن نیاز ها سایت وزارتخانه را بررسی کنید و بسته های تحول را نیز مطالعه فرمایید.